سخن مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. نیک می‌دانیم که حدیث در کنار قرآن کریم، منبع و مأخذ تعالیم اسلام در سه بخش اعتقادات، اخلاقیّات و احکام عملی است؛ از همین رو، «فهم دین» برای عمل به آن و سپس معرّفی به دیگران، درگرو مراجعه به حدیث و فهم آن است. امّا این نخستین وظیفه است و دومین وظیفه دفاع از «اعتبار» میراث حدیثی شیعه در برابر آراء و اقوال «عامّه» و «مستشرقان» است. اکنون پرسش جدّی این است که برای عمل به این دو وظیفه، چه آگاهیها و توانایی‌هایی لازم است و در جامعه شیعی، کدام افراد و نهادها در ارتباط با این دو وظیفه مسئول‌اند.

۲. روشن است که از اهداف مهم تأسیس دانشگاه و همچنین حوزه، پرورش افرادی است که نیازهای متنوّع جامعه را برطرف کنند و سبب پیشرفت و توسعه و به‌سامان گشتن امور معاش و معنویّت مردمان شوند. حال باید پرسید که هدف از تأسیس رشته «علوم قرآن و حدیث» در دانشکده‌های الاهیات و علوم انسانی چه بوده است؟ با در نظر گرفتن سخنانی که در بند ۱ گذشت، آنچه در پاسخ بدین پرسش به ذهن می‌رسد، این است که این رشته در دانشگاههای کشور پدید آمد تا کسانی پرورش یابند که حدیث شیعه را بفهمند و پاسدار و نگاهبان و مدافع این میراث ارزشمند باشند. اینک آیا استادان و دانشجویان این رشته به چه میزان به هدف مذکور دست یافته‌اند و تا چه اندازه در مسیر تحقق آن راه می‌سپرند؟ آیا درسها و مهارتهایی که دانشجویان این رشته فرامی‌گیرند، به‌گونه‌ای هست که به کار

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

عمل به وظایف یادشده بیاید؟

۳. باری، حجّیّت احادیث درگرو اثبات «اصل صدور» و شناخت «جهات صدور» و فهم «مراد» آنهاست. جایگاه سه موضوع یادشده در دریافت تعالیم اسلام از حدیث، بسیار بلند است؛ به گونه‌ای که «علم به طرق اثبات صدور حدیث»، «کشف جهات صدور حدیث» و «فهم مراد حدیث»، از مهم‌ترین مقدّمات و معدّات اجتهاد، محسوب شده و آشنایی با «رجال حدیث»، «معرفت کتب روایی»، «شناخت نسخ مختلف و تمییز اصحّ نسخ»، «معرفت به علل حدیث» و «آشنایی با انگیزه‌های وضع» و «خبرویّت در مرجّحات برای رفع تعارضات» بر مجتهد واجب شمرده شده‌است. (الفقه للمغتربین، ص ۶۸؛ الأصول العامّه للفقه المقارن، ص ۵۵۲ـ۵۵۳)

۴. بنابراین، نخستین گام درکشف حجّیّت حدیث، کسب وثوق به صدور آن از معصوم است. امّا حدیث، از «کتاب حدیث» به دست می‌آید و به دست «روات حدیث» نقل می‌شود و این نشان می‌دهد که در احراز صدور روایت، هم اعتبار مصدر شرط است و هم اعتبار راوی. اکنون باید بدین دو پرسش پاسخ داد که اعتبار مصدر و اعتبار راوی از چه راههایی قابل اثبات است؟ به نظر می‌رسد، آشنایی با تاریخ تدوین حدیث و شیوه‌های تحمل آن، شناخت میراثهای حدیثی، دانستن روش مؤلّفان و مصنّفان در مؤلّفات و مصنّفاتشان، «فراگیری و آموختن» آنچه در کتابهای فهرست و رجال آمده وکسب آگاهیهای هر چه بیشتر از این کتب، از جمله راههایی است که باید برای رسیدن به پاسخ به دو پرسش یادشده پیمود.

در این میان، «اصطلاح‌شناسی» کتابهای فهرست و رجال از اهمّیّت ویژه‌ای برخوردار است. برای نمونه، آیا وصف «ضعیف» در حقّ یک راوی یا صاحب یک کتاب، بدین معناست که روایات وکتب او بی‌اعتبار است، یا اینکه تنها به «متفرّدات» او نمی‌توان عمل کرد؟ سیره دانشمندان متقدم شیعه نشان می‌دهد که مقصود از ضعف یک راوی درکلام آنان، این است که تنها به متفرّدات وی نمی‌توان

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

عمل کرد. (نک: التهذیب، ج۷، ص ۱۰۱؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۹۵؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۳۰۳)

۵. دومین گام، شناخت «جهت صدور» حدیث است. برای دستیابی به جهت صدور حدیث نیز شناخت راوی و همچنین آشنایی با نظر عامّه در موضوعِ حدیث ضروری است. از این رو، پس از دو پرسش بالا باید بدین پرسش پاسخ گفت که رأی عامّه در موضوعِ حدیث چیست؟

۶. سومین گام، تلاش برای دریافت «مراد» حدیث است. آشنایی با «زبان» احادیث و شناخت «معاریض» کلام معصومین، در فهم مراد حدیث نقش کلیدی دارند. اینها با تتبع و ممارست و مراجعه به دیگر احادیث موضوع مورد تحقیق و سپس مطالعه اقوال و برداشتهای پیشینیان از حدیث، به دست می‌آید. در این باره، آشنایی با فتوای «مشهور» شیعه در موضوع حدیث، ضرورتی ناگزیر است.

۷. پاسداری و نگاهبانی از میراث حدیثی شیعه، تنها پس از شناخت آن ممکن است و کسانی که «حدیث‌شناس» شده‌اند، می‌توانند از این میراث گرانبها در برابر برداشتهای نادرست و تحریفات دفاع کنند. اینان باید بدانند که این میراث ارزشمند در گذشته و اکنون، با چه تهدیدهای روبه‌رو بوده و است. برادران اهل تسنّن ما اینک رجال شیعه را از زراره تا شیخ صدوق، بررسی می‌کنند و غثّ و سمین را به هم می‌آمیزند و حتّی محمّدبن نصیر نمیری را نیز در شمار رجال شیعه یاد می‌کنند! آنان در دانشگاههای خود، در پایان‌نامه‌ها از تشیّع و پیدایش و تطوّر و اصول عقایدش سخن می‌گویند، شیعیان جعفری را به غلوّ متّهم می‌کنند، روایاتشان را مفید قول به تحریف قرآن برمی‌شمارند، حدیث و علم الحدیث شیعه را نقد می‌نمایند، از کلینی تا نوری را مورد بررسی قرار می‌دهند و کتابهای حدیثی و رجالی و فهرستی شیعه را به چالش می‌کشند. شرق‌شناسان نیز افزون بر ترجمه و تصحیح و تحقیق و فهرست‌نویسی و معجم‌نگاری از میراث حدیثی شیعه، آن را تحلیل کرده و می‌کنند و از اعتبار و بی‌اعتباری‌اش سخن می‌گویند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

۸. نتیجه مطالب بندهای پیشین این است که فارغ‌التحصیلان دانشگاه در رشته علوم حدیث (دست کم در مقطع دکتری)، و نیز فاضلان حوزوی (در مقطع درس خارج) باید بر حدّاقلّ لازم مطالبی که در بند ۳گذشت، مسلّط باشند و با دغدغه دفاع از میراث حدیثی شیعه، به مطالب بند ۷نیز توجّه داشته باشند تا بتوانند به دو وظیفه‌ای که در بند ۱ ذکر شد، عمل کنند. اکنون باید پرسید که آیا فارغ‌التحصیلان رشته علوم حدیث چنین‌اند؟ اگر نیستند، علّت چیست؟ آیا بازنگری در سرفصلها و مواد درسی این رشته نمی‌تواند در این زمینه کارساز باشد؟

۹. دانشگاهها و حوزه‌ها گامهایی در این راه برداشته‌اند که مشکوراست؛ امّا با توجّه به شتاب تحوّلات در دنیای پر فراز و نشیب کنونی ـ که در زمینهٔ علوم اسلامی نیز چنین است ـ برداشتن گامهای دیگری ضرورت دارد. برای تداوم این راه، از جانب ما، تلاش و همّت و برنامه‌ریزی وظیفه است و از جانب خدایمان، توفیق و عنایت الاهی نیاز است. این همه را به برکت دعای خیر حضرت بقیّة الله – ارواحنا فداه ـ برای همه مجاهدان این تلاش مقدّس امید می‌بریم.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]